

اسلام در عمل!



آذر ماجدی

کتکش زدم تا جانم درآمد!"
به همین سادگی. یک واقعه پیش پا افتاده و ظاهراً طبیعی. این مجازات زن حرف نشنو مطابق اسلام است.

سرش را بخاطر طلاق به باد داد!

پنجشنبه ۱۲ فوریه خبر کشته شدن زنی ۳۷ ساله با اسم آسیا حسن پخش شد. سپس اعلام شد که همسر سابق او متهم به قتل است. ظاهراً تمام گناه آسیه این است که از همسرش طلاق گرفته بوده است. این مرد ۴۴ ساله معظم ال حسن نام دارد و آمریکایی پاکستانی الاصل است. او مسئول یک تلویزیون به اسم بریج یعنی پل است. گفته میشود که معظم ال حسن این فرستنده تلویزیونی را برای ارائه یک چهره ملایم تر و مدارا طلب تر از اسلام به راه انداخته است. طنز تلخ مساله در اینجاست. اگر تصویر مدارا طلب تر از اسلام اینست، وای به حال تصویر قشری! البته ما اسلام را خوب میشناسیم. زن ستیزی آن شهره خاص و عام است. خشونت و ارتجاع سیاهی که از این دین و ایدئولوژی ساطع میشود بخشی از دنیا را اکنون به ویرانی کشانده است. مدارا طلب یا قشری، اسلام زن ستیز و عقب مانده است و باید دستش از جامعه بریده و به حاشیه جامعه رانده شود.

دو زن فعال کارگری در سنندج شلاق خوردند

طبق اخبار منتشره دو فعال کارگری زن به اسامی سوسن رازانی و شیوا خیرآبادی به حکم دادگاه اسلامی سنندج، روز ۳۰ بهمن ۱۳۸۷ در زندان شهر سنندج شلاق خوردند. این دو فعال کارگری در مراسم بزرگداشت روز جهانی کارگر در شهر سنندج دستگیر شده بودند.

شعبه ۱۰۱ دادگاه جزایی سنندج سوسن رازانی را به تحمل ۹ ماه زندان تعلیقی به مدت سه سال و ۷۰ ضربه شلاق و شیوا خیرآبادی را به تحمل چهارماه زندان تعلیقی به مدت سه سال و ۴۰ ضربه شلاق محکوم کرده بود که حکم سوسن رازانی بعد از تجدیدنظرخواهی تغییری نکرد و حکم شلاق شیوا خیرآبادی، پس از تجدید نظرخواهی به ۱۵ ضربه رسید.

از سال پیش رژیم اسلامی شلاق کوبیدن را به لیست مجازات فعالین کارگری افزوده است. دو فعال کارگری مرد هم پرونده سوسن و شیوا هر یک متحمل ۴۰ ضربه شلاق و زندان شده اند. سال گذشته نیز چهار تن از فعالان کارگری در کردستان بخاطر فعالیت هایشان شلاق خوردند.

جالب اینجاست که علیرغم سرکوب و شلاق و زندان فعالین کارگری و سیاسی با گل و شیرینی به استقبال سوسن و شیوا در مقابل زندان تجمع کرده بودند. ■

۸ مارس نزدیک است. ما شدیداً مشغول تدارک یک کنفرانس بین المللی با هدف افشای نقش مخرب مذهب در زندگی زنان و دفاع از سکولاریسم هستیم. از گوشه و کنار جهان زیر حاکمیت مذهب، برای شرکت در کنفرانس با ما تماس میگیرند. این استقبال عجیب نیست. چرا که هر روز تعدادی زن قربانی حاکمیت ایدئولوژی زن ستیز میشوند. مذاهب نقش اصلی در حفظ و گسترش زن ستیزی در جامعه دارند. در این میان اسلام شهره خاص و عام است و هر روزه از زنان بیشماری قربانی میگیرد. سربازان اسلام از دختر بچه های ۷-۸ ساله نیز نمیگذرند. اخبار انفجار مدارس دخترانه در افغانستان و پاکستان، سر بریدن فعال حقوق زن، اسید پاشیدن به چهره زنان "نافرمان" دیگر جزء اخبار پیش و پا افتاده شده است که بعضاً حتی در روزنامه ها منتشر نمیشود. دو سه نمونه از نقش اسلام در زندگی روزمره که در پایین آمده است، نقش و اهمیت کنفرانس بین المللی سازمان آزادی زن در افشای مذهب و در دفاع از کوتاه شدن دست مذهب و سکولاریسم را بیشتر نشان میدهد.

آن قدر کتکش زدم تا جانم درآمد!

این جمله یک مرد ۴۰ ساله در شیراز است. این را در مورد یک سگ یا یک حیوان دیگر نگفته است. البته اگر در مورد یک سگ نیز گفته بود، در دنیای متمدن امروز، آه از نهاد هر انسانی بخاطر بیرحمی این باصطلاح انسان بلند میشد. این را مجتبی در مورد زن ۱۷ ساله اش مرجان گفته است. باین خاطر که مرجان ۱۷ ساله از او حرف شنویی نکرده، با شلنگ به جانم افتاده است. اینقدر او را زده، "تا جانم درآمد" است. از زبان مجتبی بشنویم که در آن روز چه اتفاقی افتاد:

«مرجان ۱۵ ساله بود که زدم. او زن خوبی بود اما بعضی وقتها به حرفم گوش نمی داد و فرمانم را اجرا نمی کرد. آن شب قرار بود مهمان به خانه ما بیاید و آماده شدم تا برای خرید بیرون بروم. به همسرم گفتم حمام کند و زود بیرون بیاید اما زمانی که از خرید برگشتم دیدم حرفم را گوش نکرده است. می دانست که من آدم بدخلقی هستم و اگر حرفم را زمین بیندازد بد می بیند اما باز هم کار خودش را کرد. بنابراین با شیلنگ به جانم افتادم و آن قدر

مصاحبه با نسرین رضاعلی

یک نکته را باید اول تصریح کرد. جمهوری اسلامی چنان ضد زن است که حتی به خودی هایشان مجال نمیدهد. ...

صفحه ۴

مصاحبه با آذر ماجدی

مبارزه علیه ستمکشی زن، علیه زن ستیزی مزمن در جامعه و برای آزادی زن، کار و فعالیت هر روزه ما است. ...

صفحه ۲

ستم بر زن موقوف!

سازمان آزادی زن در جدال برای آزادی زن و شکل دادن به یک جنبش بین المللی آزادیخواه و سکولار

مصاحبه شهلا نوری با آنر ماجدی

آزادی زن: ۸ مارس، روز جهانی زن نزدیک است. سازمان آزادی زن همواره کوشیده است تا این روز را به یک روز اعتراض عمومی به ستم بر زن تبدیل کند. شما بعنوان رئیس سازمان آزادی زن، پیشبرد این مبارزه در داخل ایران را چگونه ارزیابی می کنید؟

آنر ماجدی: مبارزه علیه ستمکشی زن، علیه زن ستیزی مزمن در جامعه و برای آزادی زن کار و فعالیت هر روزه ما است. شناسایی و تثبیت ۸ مارس بعنوان یک روز عمومی اعتراض به ستمکشی زن نیز بخشی از این فعالیت است. اکنون می توان گفت که ۸ مارس بعنوان روز زن در بخش مهمی از جامعه شناخته شده است. در این روز جامعه به تکاپو می افتد و تلاش برای بزرگداشت این روز در گوشه و کنار مشاهده میشود. بعضا میتینگ های وسیعی برگزار میشود.

اما خشونت و سرکوب شدید رژیم اسلامی بزرگداشت این روز را با مشکلات بسیاری روبرو کرده است. تلاش برای تجمع در پارک ها با سرکوب پلیس روبرو میشود. در شرایطی که فعالین حقوق زن مدام تحت اذیت و آزار قرار دارند، هراس از سرکوب، مردم را در برگزاری این روز بسیار محتاط و محافظه کار میکند. ولی بجرئت میتوان گفت که این روز اکنون در بخش

وسعی از جامعه شناخته شده است.

سازمان آزادی زن از طریق نشریات و ادبیات کتبی، از طریق سایت و طی چند سال برنامه تلویزیونی کوشیده است که این روز را به میان مردم ببرد. بمدت دو سه سال در برنامه تلویزیونی آزادی زن، ما از چند ماه پیش از ۸ مارس، این روز را به مردم معرفی می کردیم و در مورد اهمیت و جایگاه آن صحبت می کردیم. یک حرکت ما که اتفاقا با استقبال گرمی روبرو شد، درست کردن یک سمبل برای این روز بود. روبان قرمزی که به شکل ۸ لاتین درست شده و

خوانندگان نشریه توضیح بدهید که منظورتان از آزادی و برابری کامل و واقعی چیست؟

آنر ماجدی: آزادی و برابری هر دو مقولاتی تعبیر پذیرند. معمولاً زمانی که از آزادی و برابری صحبت میشود، آزادی در چهارچوب قانون کشور و برابری حقوقی مد نظر است. فرضاً، خمینی هم در سال ۱۳۵۷ مدعی بود که با آزادی و برابری زنان موافق است، اما در چهارچوب اسلام. عده ای میگویند که با آزادی زن موافقت بشرط آنکه فساد ایجاد نکند، یا نهاد خانواده را متلاشی نکند. بالاخره، هر گزایشی محدودیت هایی را بر این آزادی قائل میشود.

ما خواهان آزادی بدون قید و شرط زنان هستیم. روشن است که در چهارچوب یک جامعه،

سازمان آزادی زن صریحاً در پیشاپیش جنبش سکولاریست چپ حرکت میکند و توانسته است با بخش هایی از آن از نزدیک همکاری کند. این همکاری در کنفرانس های ما نیز کاملاً آشکار است.

محدودیت های طبیعی یا اجتماعی بر آزادی عمل انسان ها وجود دارد. منظور ما این است که اولاً تفاوتی میان آزادی مرد و زن نباید وجود داشته باشد. هیچگونه قید و بند و شرطی بر مبنای جنسیت بر آزادی زن نباید گذاشته شود. خانواده یا همسر مجاز نباشند که علیرغم خواست زن، آزادی زن یا دختری که به سن قانونی رسیده است را محدود کنند. زن همانند یک شهروند آزاد و متساوی الحقوق در جامعه حق زیست داشته باشد.

مقوله برابری کمی پیچیده تر است. در جامعه سرمایه داری حاکم بر جهان امروز، منظور از برابری، برابری حقوقی است. از نظر ما این یک شرط لازم اما ناکافی است. ما برای

روی آن نوشته شده زنده باد آزادی زن تا حدودی در میان مردم جا افتاد و در این روز آن را به سینه می زدند. بسیاری از وبلاگ های ایرانی نیز این لوگو را کپی کردند و در سایت خود قرار دادند. اکنون شاهدیم که برخی سازمان های سیاسی نیز این لوگو، که عملاً لوگوی سازمان آزادی زن است، را در نشریات شان چاپ کرده اند. این فقط بیانگر این واقعیت است که لوگوی سازمان آزادی زن که طراح آن شهلا نوری است، بشکل وسیعی در جامعه جا افتاده است.

آزادی زن: ما اعلام کرده ایم که ذره ای ستم بر زن را نمی پذیریم و خواهان آزادی کامل زنان و برابری واقعی زن و مرد هستیم. لطفاً برای

برابری واقعی مبارزه می کنیم. برابری واقعی مستلزم وجود برابری اقتصادی در جامعه است. دو فرد در جامعه امروز علیرغم برخورداری از برابری حقوقی، اگر به دو طبقه متفاوت متعلق باشند، عملاً از برابری واقعی و برابری موقعیت ها برخوردار نیستند. برابری واقعی مبارزه و تلاش بسیار بیشتری را طلب می کند. برابری واقعی فقط در یک جامعه سوسیالیستی امکانپذیر است. ایده آل من اینست که تنها تفاوت میان زن و مرد به تفاوت بیولوژیک محدود بماند. و این واقعیت که زن حامله میشود، میزاید و بچه شیر میدهد، هیچگونه محدودیت حقوقی برای او بوجود نیآورد. آزادی کامل و یکسان میان زن و مرد و برابری کامل و واقعی هدف و آرمان ماست.

آزادی زن: بسیاری از تحلیل گران سیاسی جامعه ایران را یک جامعه مسلمان می خوانند. نظر شما در اینباره چیست؟

آنر ماجدی: من با این توصیف مخالفم. از نظر من توصیف صحیح تر از جامعه ایران، جامعه ای تحت حاکمیت اسلام است. بقول منصور حکمت کسانی که از این توصیف استفاده میکنند، هدف سیاسی خاصی را دنبال میکنند. چرا میان این همه فاکتور مختلف از این توصیف استفاده میشود؟ یعنی ایران را بر مبنای مذهب بخشی از مردم یا حتی اکثریت مردم توصیف میکنند؟ کسانی که فرضاً ایران را بعنوان یک کشور چند ملیتی توصیف میکنند نیز هدف سیاسی معینی را دنبال میکنند. دسته اول میخواهند وجه مسلمان بودن بخشی از مردم را بزرگ کنند و مهر آن را بر چهره جامعه بکوبند. دسته دوم میخواهند مساله قومی و ملی را در جامعه ایران بزرگ کنند.

زنده باد برابری! زنده باد آزادی!

مصاحبه با آنر ماجدی

آنهایی که ایران را کشور اسلامی یا مسلمان میخوانند، آنگاه برخی رفتارهای حکومت ایران را با این مذهب توجیه میکنند. فرضاً حجاب اجباری یا سنگسار را. ما خواهان ایجاد یک کشور سکولار هستیم. و این بمعنای جدایی دین از دولت و آموزش و پرورش و دین از هویت شهروندی و بطریق اولی دین از هویت جامعه است. سکولاریسم یک شرط لازم ایجاد یک جامعه آزاد و دستیابی به آزادی زن است.

آزادی زن: ترم آپارتاید جنسی در ایران برای اولین بار از جانب چه کسی بیان شد؟

آنر ماجدی: این ترم اولین بار در ایران حدوداً در سال ۱۹۸۸ در نشریه کمونیست، ارگان حزب کمونیست ایران توسط خسرو داور مورد استفاده قرار گرفت. از آن پس این ترم توسط جنبش ما وسیعاً مورد استفاده قرار گرفته است. و می بینیم که اکنون به یک ترم کاملاً جا افتاده در جامعه تبدیل شده است. در جامعه بین المللی تاریخچه آن را درست نمیدانم. من برای اولین بار در اواخر دهه نود و بویژه در دهه اخیر شاهد استفاده از این ترم بوده ام. بعید نمیدانم که ترم آپارتاید جنسی توسط جنبش آزادی زن و بویژه جنبش ما در جنبش بین المللی نیز راه یافته باشد.

آزادی زن: چندین سال پیش، شما شعار نه به حجاب را برای اولین بار در برنامه تلویزیونی برای آزادی زن مطرح کردید. فرق بین شعار نه به حجاب و نه به حجاب اجباری را توضیح دهید.

آنر ماجدی: ما در اصل مخالف حجاب اسلامی هستیم و نه فقط حجاب اجباری. حجاب اجباری یک مقوله حقوقی است. روشن است که ما با آن

مخالفیم و خواهان لغو آن هستیم. اما بشکل اصولی با حجاب اسلامی مخالفیم. حجاب اسلامی را سمبل و ابزار بردگی و بیحقوقی زن میدانیم. لذا مهم است که این تمایز روشن شود. ما خواهان لغو حجاب اجباری هستیم، از طرف دیگر خواهان ممنوعیت حجاب کودکان ایم. خواهان ممنوعیت برقه هستیم. خواهان محدود کردن استفاده از حجاب ایم. اما "نه" ما به حجاب اسلامی علی العموم است. این تفکیک میان دو پدیده، بسیار مهم است.

شما با شعار خود پیامی را به جامعه منتقل میکنید. نه به

حجاب اجباری، در مورد موضع شما در مورد حجاب هیچ نمیگوید. کما اینکه مجاهدین محجبه نیز از نه به حجاب اجباری سخن میگویند. آنها مدافع حجاب اسلامی اند، اما میگویند خواهان استفاده داوطلبانه آن هستند. یعنی آنها حجاب اسلامی را تبلیغ میکنند. ما اما مخالف حجاب اسلامی هستیم. علیه آن تبلیغ میکنیم، آن را بعنوان یک مانع مهم در جنبش آزادی زن معرفی میکنیم. همه را به برداشتن حجاب تشویق و ترغیب میکنیم و ضمناً خواهان لغو حجاب اجباری نیز هستیم.

آزادی زن: تحرکات و حملات جنبش اسلام سیاسی زمینه یورش به حقوق زن را در جوامع اروپایی بوجود آورده و دست مذاهب دیگر را برای تحدید برابری زن و مرد بازتر کرده است. شما نیز بعنوان یکی از فعالان شناخته شده در عرصه سکولاریسم چپ در اروپا، به مبارزه علیه این جنبش دست زده اید و

کنفرانسهای بزرگ بین المللی طی این سالها سازمان داده اید. نتیجه چند سال تلاش خود را برای خوانندگان ما توضیح دهید.

آنر ماجدی: در دهه هشتاد میلادی نسبت به فرهنگی کاملاً بر جامعه غربی، بر آکادمیا و مدیا حاکم بود. جنبش فمینیستی نیز وسیعاً تحت تاثیر این تفکر قرار داشت. اولین تلاش ما در



سطح بین المللی مبارزه با این پدیده بود. معرفی این پدیده بعنوان یک مقوله راسیستی و ارتجاعی، علیرغم درک عموم که آن را یک مقوله پیشرو و در جهت گسترش برابری در جامعه میدید. مبارزه با فرهنگ و سنن اسلامی، تثبیت این تفکر که حجاب و سایر رفتارهایی که توسط اسلام بر زنان و جامعه بطور کلی دیکته میشود، روش های ضد زن و شدت ارتجاعی است. این یک مبارزه نسبتاً طولانی را طلب کرد.

مبارزه ما نه تنها هاله مترقی حول مقوله نسبت به فرهنگ و مولتی کالچرالیسم را درید، بلکه به بسیاری از مخالفین ساکت این مقولات شجاعت ابراز نظر داد. باید اعلام کنم که نقش جنبش کمونیسم کارگری، نشریه مدوسا و سنتی که سازمان آزادی زن به آن تعلق دارد و ما همه فعالین آن هستیم در این مبارزه و تغییر فضای حاکم در غرب تعیین کننده بوده است.

حدود یک دهه پیش جنبش

سکولاریست در غرب بروز علنی یافت. کنفرانس های سکولاریست بویژه از فرانسه آغاز شد. ما در این جنبش نیز بسیار فعال پیشتاز بودیم. در این جنبش نیز ما بسیار موثر بودیم. مبارزه ما در کانادا علیه تثبیت دادگاه های شریعه سر و صدای بسیاری در دنیا داشت. اما در چند سال اخیر این جنبش بروشنی به دو گرایش چپ و راست تقسیم شده است. این انشعاب در فرانسه عملاً به ایجاد دو سازمان انجامیده است. سازمان آزادی زن کوشیده است که خط چپ را در جنبش سکولاریست تقویت کند. باید اعلام کنیم که درون جنبش و سنت خود ما نیز انشعابی روی داد. رفقای سابق ما بعضاً در قالب سازمان اکس مسلم به گرایش راست سکولار پیوستند.

اکنون خط و خطوط روشن تر و متعین تر است. سازمان آزادی زن صریحاً در پیشاپیش جنبش سکولاریست چپ حرکت میکند و توانسته است با بخش هایی از آن از نزدیک همکاری کند. این همکاری در کنفرانس های ما نیز کاملاً آشکار است.

آزادی زن: امسال نیز بمناسبت روز زن اقدام به برگزاری یک کنفرانس در شهر گوتنبرگ سوئد کرده اید. کمی در مورد این کنفرانس و نحوه برگزاری آن بگویید.

آنر ماجدی: ما سال گذشته نیز در شهر گوتنبرگ کنفرانسی بمناسبت ۸ مارس برگزار کردیم. آن کنفرانس بسیار موفق بود. این کنفرانس ما را با بخش های دیگری از جنبش سکولاریست حقوق زن در اروپا و خاورمیانه در تماس قرار داد. شرکت ما در کنفرانس رم در ماه ژوئن ۲۰۰۸ یک قدم بسیار مهم در گسترش این همکاری و جنبش

نه به حجاب اسلامی، نه به سرکوب زنان!

برابری زن و مرد در جامعه. جمهوری اسلامی این نیروی واقعی و این پتانسیل عظیم را دیده بود و برای همین اوایل خیلی محتاط به مسئله زنان و خواسته‌های آنها برخورد می‌کرد. در همان اوایل هم طبق قوانینی به جنگ با زنان نرفتند. بدنبال اجرای فرمان حجاب در بالا بالا فاصله تصفیه‌ها، درگیری‌های خیابانی، ریختن خون زنان در خیابانها، چماق کشی و تیغ زدن و پونز چسپاندن به صورت و شلاق شروع شد تا قانون اسلام روی موی زنان پیاده شود.

آنها توانستند حجاب را تحمیل کنند اما جنگ در جبهه‌های دیگر آغاز شد. زنان خانه نشین نشدند. بلکه برای حضور در دانشگاه و جامعه به طرق دیگر هجوم آوردند. دعوا برسر رعایت حجاب هم از روز تحمیل آن ادامه دارد و هنوز ده جور لشکر لمپن اسلامی جمع میکنند و به خیابان میریزند تا بگویند هنوز قانون ما حکم میکند. اما قانونی که سی سال هر روز باید برایش جنگید و سرکوب کرد که اعتبار داشته باشد معلوم است اعتباری ندارد. اما ریختن گله حزب الله به وسط خیابان علیه زنان، طرحهای امنیتی چند جانبه علیه زنان و تلاش برای مرعوب کردن مبارزات آنها همه شکست خوردند. رژیم جمهوری در مقابل جنبش زنان نهایتاً بازنده است.

آزادی زن: نقش سازمان آزادی زن را در پیشبرد امر مبارزه برای رهایی زن و تبدیل کردن روز ۸ مارس را به یک روز غیر تشریفاتی با خواست لغو آپارتاید جنسی، چگونه ارزیابی می‌کنید.

نسرین رضاعلی: سیاست ما باید این باشد که همه جا مراسم

همواره یک شاخص مهم حرکت جامعه و وضعیت حکومت بوده است.

جنبش آزادی زن در ایران متأثر از جنبشهای رادیکال زنان در دنیا نیز بوده است. ایران و سیاست در آن همیشه متأثر از چپ و کمونیستها و همینطور تجارب مبارزات انقلابی در اروپا بوده است. دهه ۶۰ اروپا در زندگی و رفتار و الگوهای نسل همان دوره در ایران متأثر است. لازم است این را بگویم زنان چه در رژیم پهلوی و چه بعد از آن هیچ وقت حقوق برابری و هیچ وقت آزادی نداشتند. وقتی به تاریخ و موقعیت زنان در رژیم مراجعه می‌کنید موقعیت زنان همان موقعیت شهروند درجه دو را داشتند و در عین حال سنتهای عقب مانده پوسیده و بخصوص قوانین اسلامی بر قوانین دولتی علیه زنان حاکم بوده است و همان قوانین با تخریب بیشتری هم اکنون در جمهوری اسلامی جاری است. قانون خانواده یک مثال است. بعلاوه زنان به صورت گسترده نیروی کار خود را در مراکز مهم می‌فروختند و بخش قابل توجهی از زنان در بازار کار حضور داشتند. در انقلاب ۵۷ زنان بطور گسترده در اعتراضات علیه حکومت دیکتاتوری آریامهری حضور داشتند. حضور در این انقلاب و نقش تعیین کننده از نظر من در این مبارزات اعتماد بنفسی را به زنان بازگرداند و خیلی رادیکال خواستار قوانین برابر حاکم بر جامعه شدند. بی دلیل نبود خمینی قبل از به قدرت رسیدن اعلام کرد هیچ اجباری برای زنان در حجاب نیست. آزادی پوشش اتفاقاً از همان صحبت‌های بیاد ماندنی این جوانان بود و در عین حال وعده پایبند بودن به خواست

لطفاً برای خوانندگان نشریه توضیح بدهید که روند این حرکت از چه زمانی شروع شد؟

نسرین رضاعلی: زنان یک نیروی فعال انقلاب بودند و به وضعیت بهتری از شرایطی که در رژیم شاه داشتند فکر میکردند. منتظر چادر و چارچوق نبودند. شعارهایشان در همان ۸ مارس تاریخی همین را میگوید. اما حکومت اسلامی اولین حمله اش را به زنان شروع کرد. دعوی حجاب یک حرکت مهم جمهوری اسلامی برای تثبیت خود و سرکوب انقلاب بود. جنبش برای آزادی زن در مقطع انقلاب سال ۵۷ شروع نشد اما در انقلاب اوج گرفت و مثل هر خواست انقلابی و رادیکال توسط جمهوری اسلامی سرکوب شد. جنبش برای آزادی زن مانند هر جنبش اجتماعی دیگر جاریست چون زنان آزادی میخواهند و این وضعیت بردگی را نمیپذیرند. این جنبش اگرچه افت و خیزهای خود را دارد اما



مصاحبه با نسرین رضاعلی
نشریه آزادی زن با نسرین رضاعلی یکی از اعضای شورای مرکزی سازمان در رابطه با سوابق تلاشها برای برگزاری مراسم ۸ مارس و آنچه امسال پیش رو داریم، مصاحبه ای ترتیب داده است که ذیلا ملاحظه میکنید:

آزادی زن: اولین مراسم ۸ مارس بعد از انقلاب ۵۷ با سرکوب وسیع روبرو شد و حزب الله با شعار یا روسری یا تو سری به خیابان آمد. اما دیری نگذشت که جامعه ایران شاهد برگزاری مراسم های اعتراضی علیه تبعیض موجود بر زندگی زن، در روز زن شد.

دنباله مصاحبه با آذر ماجدی

بود. پس از آن ما کوشیدیم که تجربه سال گذشته را بسیار وسیع تر و موفقیت آمیزتر تکرار کنیم. از همان زمان برای یک کنفرانس وسیع بین المللی ۸ مارس تدارکات را آغاز کردیم. نتیجه این فعالیت را بزودی مشاهده خواهیم کرد. ولی باید بگویم که فعالیت بسیار لذت بخشی بود. بویژه زمانی که فعالین از گوشه و کنار دنیا، از آرژانتین، گرجستان، اوگاندا تا کشورهای اروپایی از ما میخواستند که در کنفرانس شرکت کنند. ۲۵ نفر فعال و محقق حقوق زن از خاورمیانه، اروپا و آمریکای لاتین روز ۷ مارس در گوتنبرگ گرد هم خواهند آمد تا امر آزادی زن را

به پیش برند. نقد مذهب بعنوان یک نهاد زن ستیز با تجارب مشخص از تاثیر هر یک از مذاهب و دفاع از سکولاریسم بعنوان شرط لازم رهایی زن در این کنفرانس به بحث گذاشته خواهد شد. شرکت کنندگان از کشورهای آرژانتین، اردن، ایتالیا، ایران، بلغارستان، دانمارک، رومانی، سوریه، سوئد، عراق، فرانسه، فلسطین، گرجستان، لهستان و مصر در این کنفرانس شرکت دارند.

تاثیر این کنفرانس بسیار زیاد خواهد بود و فقط به مساله زن محدود نخواهد ماند. این کنفرانس یک قدم مهم در جهت ساختن قطب سوم، جنبش بشریت آزادیخواه و متمدن در جهان بحران زده امروز است. ■

آپارتاید جنسی باید ملغی گردد!

مصاحبه با نسرين رضائعلی

۸ مارس بگیرند. سال گذشته همه اپوزیسیون ایران از راستهای طرفدار روز کشف حجاب رضا شاه بعنوان روز زن تا ملی اسلامیهای طرفدار حاجی فاطمه بالاخره برای ۸ مارس تبریک گفتند و پیام دادند. این یعنی قدرت این جنبش و توجه همگانی به مکان سیاسی آن. حتی وقتی جمهوری اسلامی حالا در آستانه مضحکه انتخابات و یا با مصالح فریبکارانه دیگر بخواهد ۸ مارس تشریفاتی برگزار کند و یا دیگری که هم جنس فمینیستهای اسلامی اند بخواهند اینکار را بکنند، همه بدوا از قدرت ۸ مارس بعنوان یک جنبش جهانی و بخصوص در ایران حکایت دارد. ۸ مارس سنت سوسیالیستی طبقه کارگر است و اگر در ایران قوی است، آنوقت سازمان آزادی زن بعنوان یک جریان معتبر و مدافع برابری بیفید و شرط زن و مرد در تمام سطوح میتواند و باید پرچمدار پیشروترین اعتراضات زنان باشد.

اما در درون جنبش آزادی زن مثل هر جنبش دیگر گرایشات مختلف وجود دارد که بخشا بجای کمک در اینراه بعنوان عامل بازدارنده و تداوم وضع موجود عمل میکنند. گرایشاتی که خواستند و میخواهند این جنبش را به کج راه ببرند را و زیر تفسیر اسلامی و اجازه اسلام ببرند. یا زنان را وسیله افتخار "ملت" و "خاک پاک" بکنند. در درون اپوزیسیون جمهوری اسلامی ما شاهد این هستیم که به جنبش آزادی زن یک نگاه ابزاری وجود دارد که نه این جنبش را بعنوان جنبشی مهم و قائم بذات بلکه وسیله ای در خدمت امر سرنگونی میداند. همه اینها کار گرایش

رادیکال و آزادیخواه و برابری طلب و سوسیالیست را سخت تر میکند. پیشبرد یک سیاست رادیکال برای لغو نظام آپارتاید جنسی که شرط اول هر نوع بهبود حقوق زنان و رسیدن به برابری است، مستلزم اینست که مرتبا این گرایشها نقد شوند و حقانیت سیاست رادیکال به توده وسیع تر نسل جدید و زنان اثبات شود. از نظر عملی باید تلاش کنیم که ۸ مارس به روز مهم در صحنه سیاسی ایران بدل شود و مهر توقعات واقعی جنبش آزادی زن را داشته باشد. ما باید تصویر درستی از اوضاع و تناسب قوا و امکانات داشته باشیم و در این چهارچوب برای اینروز تلاش کنیم و راههای عملی پیش پای این جنبش بگذاریم.

آزادی زن: در ایران مسئله زنان یکی از محوری ترین مسائل جامعه است و رژیم اسلامی از ترفندهای بسیاری برای سرکوب زنان بطور عام و سرکوب جنبش آزادی زن بطور اخص استفاده می کند. بنظر شما مصافهای پیش روی جنبش رهایی و آزادی زن علیه رژیم اسلامی کدام است؟

نسرين رضائعلی: جمهوری اسلامی حکومت ضد زن است و تا این حکومت هست وضع ما زنان همین است. بنابراین باید جمهوری اسلامی را بدوا کنار بزنیم. جمهوری اسلامی بدون آپارتاید جنسی متصور نیست. بعد این حکومت سرمایه داری است و در متن فقر و فلاکت و تبعیض جنسی در بازار کار زنان در بدترین موقعیت و تحت خشونت شدید هستند. بهبود فوری این اوضاع در تمام سطوح از امنیت و حقوق فردی و اجتماعی تا موقعیت اقتصادی و شرایط بهتر در خانواده و غیره خواستهای فوری زنان است. مبارزه برای همین خواستها

مسیر نابودی نظام آپارتاید جنسی است.

ما باید قوانین ضد زن را عقب برانیم. ممکن است هنوز روی کاغذ باشند اما عملا اعتباری نداشته باشند. ما باید متشکل شویم و حول سازمان آزادی زن جمع شویم. ما باید دیدگاههای سازمان آزادی زن را ترویج کنیم و با راه حلهای دیگر بحث کنیم و قانع کنیم. اینها راه پیشروی زنان نیست. ما باید توهم نداشته باشیم که آزادی زن با اسلام و حکومت اسلامی نمیشه. ما باید مسئله زن را هر روز بیشتر در جامعه مطرح کنیم و با فشاری وسیع شیپور جنبش سکولار و مدرن و برابری طلب آزادی زن در ایران را مجددا در دنیا اعلام کنیم.

آزادی زن: نقش دیگر جنبشهای اعتراضی موجود در جامعه، بر جنبش آزادی زن چه می تواند باشد؟

نسرين رضائعلی: اگر منظور از جنبشهای اعتراضی دیگر جنبشهای برحق و برابری طلب است، اینها همه در یک اردو هستند. اردوی آزادی و برابری و رفاه. همینطور زنان در تمام جنبشهای معتبر جامعه ایران حضوری ملموس دارند. نگاه کنید به برگزاری روز جهانی کودک و نقش زنان در امر سازماندهی و حضور و تلاش وسیع زنان را ببینید. به کمیته ها و نهادهای مدنی نگاه کنید که بخش مهمی از اعضای فعال این نهادها زنان هستند. اعتراضات معلمین را نگاه کنید حضور فعال زنان را ببینید. جنبش کارگری هم به همین ترتیب. بیانیتهای و قطعنامه های مختلفی که به مناسبتهای مختلف تصویب شده است، یکی از خواستهای محوری برابری زن و مرد در تمامی

شئون بوده است.

چه جنبشهای اعتراضی درون جامعه و چه جنبش زنان همدیگر را تقویت می کنند و هر بار قوی تر به میدان خواهند آمد. بنظرم شعارهایی که در همین سالها داده شده و فعالین عرصه مبارزاتی و جبهه برایش باز کردند، و البته هزینه دادند و مشکلاتی را متحمل شدند، گویای این حقیقت است. جنبش ها از همدیگر تاثیر میگیرند و در یک رابطه اجتماعی از موضع منافع مشترک در مقابل جمهوری اسلامی قرار میگیرند.

آزادی زن: تفاوتها و تشابهات جنبش آزادی زن و جنبش حقوق برابر را در ایران چگونه ارزیابی می کنید؟

نسرين رضائعلی: یک نکته را باید اول تصریح کرد. جمهوری اسلامی چنان ضد زن است که حتی به خودی هایشان مجال نمیدهد. سرکوب روی سر همه گرایشات قرار دارد. در شرایطی که سرکوب وسیع است چه جنبش آزادی زن و چه جنبشهای دیگر تلاش داشتند و دارند که در حالی که بالائی ها وضع شان بهم ریخته و دعوا دارند فرصتهای بسازند و از این فرصتها به بهترین نوع برای ابراز وجود سیاسی اجتماعی مستقل خود استفاده کنند.

در ایران جنبشی وسیع برای دفاع از حقوق و آزادی وجود دارد. دستکم عده ای خود را به کنوانسیون حقوق زن در چهارچوب حقوق بشر محدود میکنند و یا خواهان آنند. عده ای از اسلام و حقوق زن و عدم تناقض اش حرف میزنند و تعداد وسیعی همراه ما آزادی و برابری زن و مرد میخواهند. همه در پس زدن قوانین زن ستیز از حقوق در خانواده و اعدام و سنگسار و روابط

رهائی زن رهائی جامعه است!

مصاحبه با نسرین رضانعلی

شخصی و خصوصی بدرجاتی و با تفاوت‌هایی اشتراک داریم. راه‌ها برای هر گرایشی متفاوت است. ما آن جنبشی هستیم که تلاش می‌کنیم نیروی مستقل و خواسته‌های رادیکال زنان را بمیدان بیاوریم و سرسازشی با این حکومت ضد زن نداریم. ما با تلاش هر کس که برای اصلاح درجه ای از این وضعیت به نفع حقوق زنان و احترام بیشترشان تلاش میکند نه تنها مخالفتی نداریم بلکه خود برای وسیع‌ترین آن تلاش می‌کنیم. ما با گرایش‌های سازشکاری که می‌خواهد زنان را نیروی حکومت و جناح‌هایی کنند و یا حقوق زن را با ارتجاع ضد زن آشتی دهند کوچکترین اشتراکی نداریم و همواره اینها را افشا و نقد می‌کنیم. اما با آن بخشی که مستقلاً برای بهبود حقوق زنان تلاش می‌کند اشتراک داریم. سازمان ما که برای برابری کامل زن و مرد تلاش می‌کند، همواره تلاش دارد این نیروها را به این افق از آزادی زن مجاب کند.

جنبش آزادی زن خود را با نفی بنیادهای ستم بر زن تعریف کرده است. شعار ستم بر زن موقوف شعار ماست. امروز این شعار را همه جا میتوان دید و تثبیت شده است. سالها قبل به ابتکار شهلا نوری عضو شورای مرکزی آزادی، روبانی به شکل ۸ درست شده بود و روی آن نوشته شده بود "زنده باد آزادی زن". این طرحی تبلیغاتی بود که سازمان آزادی زن برای معرفی جنبش خود بکار برد. این لوگو بر روی وبلاگها و وبسایت‌های وسیعی در ایران و خارج قرار گرفت. همه با هدف حمایت از جنبش برای آزادی این روبان و لوگو را منتشر کردند. در ایران در اوج خفقان و سرکوب رژیم اسلامی به مناسبت روز جهانی زن این روبان بر روی نشریات فعالین جنبش آزادی زن بخصوص در جنوب ایران زده شد و در این روز همراه با تیریکات صمیمانه از طرف فعالین با شور به دست صدها نفر از مردم داده شد. در مناسبت‌های مختلف و در جمع‌های مختلف این روبان با شعار زنده باد آزادی زن بر روی سینه‌ها نصب شد. من

اینجا صمیمانه از تلاش شبانه روزی فعالین جنبش برای آزادی زن و همچنین دست انداز کاران سازمان آزادی زن درود می‌فرستم و خسته نباشید می‌گویم.

آزادی زن: چه پیامی برای ۸ مارس امسال و خطاب به فعالین آزادی زن دارید؟

نسرین رضانعلی: مثل هر سال فعالین و دست اندرکاران جنبش آزادی زن در تلاش هستند بتوانند مراسم‌های متعددی را برگزار کنند. در این مراسم‌ها باید کیفر خواست زنان علیه آپارتاید جنسی و بیحقوقی زن اعلام شود و بر برابری کامل حقوق زن و مرد تاکید شود.

در این روز جنبش زنان اعلام میکند ما "نیمه انسان" نیستیم، انسانیم و برابریم. شهروند درجه دو نیستیم، حقوق برابر می‌خواهیم. اعلام می‌کند ما فقر و بیکاری نمی‌خواهیم، یک زندگی مرفه حق همگان است. اعلام می‌کند ما دیگر نمی‌خواهیم قربانی فرهنگ و سنن عقب مانده باشیم، ستم بر زن موقوف. اعلام می‌کند ما نمی‌خواهیم امار خودسوزی و

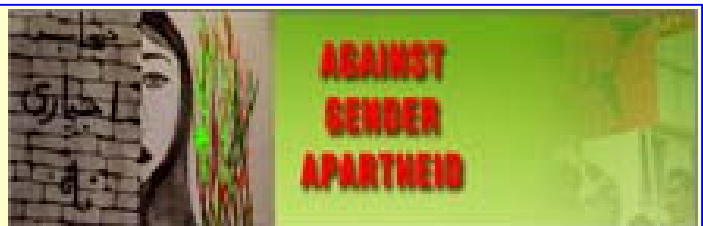
خودکشی زنان بالا برود، نمی‌خواهیم فعالین این جنبش احضار شوند، زندانی شوند، احکام اعدام بگیرند، ممنوع خروج شوند. سرکوب و دست درازی به زنان موقوف. زنان با حضور قوی‌شان باید اعلام کنند دوران زورگویی به زن گذشته است، شکست خوردید. این همه اوباش و گله حزب الله را به خیابان ریختید تا حجاب بر سرمان کنید، تا ما را خانه نشین کنید، تا دانشجو نشویم، دکتر نشویم، وکیل نشویم، ممدکار اجتماعی نشویم، تا کارگرانی نباشیم در جامعه که نیروی کارمان را حتی ارزانتر بخرد، اما شکست خوردید و ما وسیعتر از همیشه در مقابل تان هستیم. زهرا را بقتل رساندی، روناک، هانا، زینب، پروین، محبوبه‌ها را زندانی کردی، ممنوع الخروج کردی، ولی جنبش ما جنبش برای آزادی زنان با قامتی بلند ایستاده و هر روز شکوفاتر میشود. آن روز دیر نیست که چادرها را پرت کنیم و نشان دادیم نمیتوانند ما را انکار کنند. آن روز جشن آزادی و برابری است. جنبش ما جنبش شکست خوردگان است. ■

سیاسی و اجتماعی و فرهنگی برابر باشند. بشریت متمدن نباید اجازه دهد که در هیچ گوشه‌ای از جهان چنین رفتار شنیعی با انسانها شود.

از اینرو ما خواهان:

۱. محکومیت سیستم آپارتاید جنسی توسط کلیه مجامع بین‌المللی و حقوق بشری هستیم.
 ۲. محکومیت رژیم اسلامی ایران بمتابسه سمبل سیستم آپارتاید جنسی در جهان هستیم
 ۳. اخراج دولتهای مبتنی بر آپارتاید جنسی از کلیه مجامع بین‌المللی هستیم.
- به سایت ما با نام و آدرس زیر مراجعه کنید و برای ما نامه بنویسید:

www.againstgenderapartheid.com/



علیه آپارتاید جنسی

آپارتاید جنسی، تقسیم و جدایی انسانها بر مبنای جنسیت، یکی از اشکال زشت و کریه زن ستیزی و تبعیض علیه انسانها در برخی از جوامع کنونی و جمهوری اسلامی بطور مشخص است. آپارتاید جنسی سیستمی است که دولتها و جریانات اسلام سیاسی به زور بر مردم تحمیل کرده اند. آپارتاید جنسی سیاستی شنیع و همطراز آپارتاید نژادی است و همچون آپارتاید نژادی باید از جامعه بشری طرد شود. زن و مرد باید در تمامی شئون زندگی اقتصادی،

نه به مجازات اعدام = نه به جمهوری اسلامی!

بردگی مدرن در جهان سرمایه داری!

تأییدی بر بردگی زنان و کودکان در تجارت سکس

سازمان ملل در امور مبارزه با جرم و جنایت در گزارش سالانه خود اعلام کرد که قاچاق انسان تبدیل به تجارتی چند میلیارد دلاری شده و بیست در صد از قربانیان این جنایت را کودکان تشکیل می دهند.

این گزارش بر اساس اطلاعات جمع آوری شده از ۱۰۰ کشور جهان ارائه شده است. در این گزارش گفته شده، که زنان در ایران به دلیل بهر کشی جنسی، کار و ازدواج اجباری جهت پرداخت بدهی خانواده، به کشورهای عربی خلیج فارس، ترکیه و پاکستان قاچاق می شوند. همچنان گفته می شود که استفاده جنسی از قاچاق انسان یک فاکتور کلیدی در گسترش ویروس ایدز در جنوب آسیا می باشد.

امروزه تجارت سکس نه تنها در کشورهای که فروش سکس قانونی نیست، به ابزاری جهت منبع درآمد و انباشت سرمایه تبدیل شده، بلکه با عبور از مرزها، خدمات جنسی را برای مصرف کنندگان آسانتر کرده است. در عین حال صنعت تجارت سکس در بعضی از کشورهای جهان مانند تایلند ابزاری است در جهت استراتژی توسعه کشور و جلب توریسم.

در کشورهایی از جمله ایران، که تن فروشی قانونی نیست، آدم ربایی و یا جذب دختران به فرار از فقر و خشونت خانوادگی، قاچاق انسان را به سمت شهرهای بزرگ و خارج از مرزها

امکان پذیرتر کرده است. با وجود اینکه هیچ آماری از تجارت سکس در خاورمیانه موجود نیست اما بر هیچ کس پنهان نیست که دبی بعنوان "لاس وگاس خاورمیانه" به کانون تجارت سکس منطقه تبدیل شده است. فراری دادن دختران جوان ایرانی به خارج از کشور، منبع پردرآمدی است برای قاچاقچیان انسان به دبی.

با وجود اینکه فرار یکی از تراژدیترین حوادث زندگی انسان است، اما دختران و زنان جوان در جستجوی یک زندگی بهتر، فرار می کنند و در طی این مسیر در چنگال تجارت سکس به تن فروشی اجباری کشیده می شوند.

گزارش اخیر سازمان ملل متحد باید بتواند نگاه افکار عمومی را متوجه خصلت کیفی و کمی برده داری نوین و تجارت سکس در بازارهای بین المللی کند و این سؤال را دوباره در ذهن خواننده زنده کند: زمانیکه میلیون ها کودک هر سال وارد چرخه تجارت سکس می شوند، آیا پدیده ای به نام تن فروشی آزادانه و غیر اجباری وجود دارد؟ ■

شهبلا نوری

خانه مدوسا



زنده باد آزادی زن! ستم بر زن موقوف!

جهت در دسترس بودن شما، خانه مدوسا به مرکز شهر انتقال داده شد.

وعده ملاقات

هر پنج شنبه بین ساعت ۱۷ - ۲۰



تجربیات مشترک، شکستن تابوها و عبور از مرزهای ممنوعه، عاملی برای به واقعیت بدل کردن کنترل زندگی خود است! با فراهم آوردن کمک و ابزار حمایتی می توان اعمال روشهای خشونت آمیز را از زندگی خود دور کرد و کنار گذاشت!

پنج شنبه بعد از ظهر از ساعت ۱۷ تا ۲۰ برای ملاقات با شما در لوکال ویکتوریا هوست حضور خواهیم داشت تا به بحث و تبادل نظر بپردازیم.

برای اطلاع بیشتر از دیگر فعالیتهای "خانه مدوسا" با ما در لوکال جدید خانه مدوسا ملاقات کنید!

آدرس جدید

Viktoriahuset

Linnégatan 21 B

wlmedusahuset@gmail.com

مدیر خانه مدوسا

شهبلا نوری

تلفن تماس: +46737262622

سخنی با خوانندگان نشریه سازمان آزادی زن

شما می توانید با مراجعه به سایت سازمان آزادی زن، از فعالیتهای این سازمان آگاهی پیدا کنید. لینکهای سخنرانیها و جلسات پالتاکی ما در این سایت قابل دسترسی است.

در ضمن می توانید با مراجعه به لینک نشریه آزادی زن، به نشریه های گذشته دسترسی پیدا کنید.

برای تماس با اعضاء شورای مرکزی سازمان آزادی زن به لینک تماس با ما مراجعه کنید.

جهت ایجاد ظرف متحد کننده وسیعترین توده های زن و مرد در ایران به سازمان آزادی زن بپیوندید تا با هم علیه بیحقوقی زنان، علیه مردسالاری لجام گسیخته و برای رهایی زنان مبارزه کنیم.

<http://www.azadizan.net/>

<http://www.womensliberation.net/english/>



شما هم در پیشبرد کمپینهای سازمان آزادی زن سهیم باشید و پتیشنهای زیر را امضاء کنید!

کمپین برای آزادی فعالین حقوق زن

http://www.petitiononline.com/mod_perl/signed.cgi?maryam20

علیه لایحه ارتجاعی محروم کردن دختران دانشجو از زندگی مستقل بپاییزیم!

<http://www.petitiononline.com/nsin2008/>

رهائی زن همین امروز!



کنفرانس بین المللی به مناسبت ۸ مارس ۲۰۰۹ چرا سکولاریسم اساسی است؟

سازمان آزادی زن روز شنبه ۷ مارس یک کنفرانس یک روزه با تم "نقش مخرب مذهب در زندگی و بر حقوق زنان؛ چرا سکولاریسم اساسی است؟" در شهر گوتنبرگ سوئد، سازمان میدهد. در این کنفرانس فعالین و محققین حقوق زن از خاورمیانه و اروپا گرد می آیند تا تاثیر رشد جنبش های مذهبی در دو دهه اخیر بر زندگی زنان را مورد بررسی قرار دهند. مذهب کاتولیک، کلیسای ارتدوکس، مذهب یهود، اسلام و جنبش اسلام سیاسی مورد بررسی قرار می گیرد.

این کنفرانس توسط سازمان های حقوق زن و سکولاریست زیر مورد حمایت قرار گرفته است:

ابتکار فمینیستی اروپا برای یک اروپای آلترناتیو، زنان برای صلح - سوئد، شبکه مردان علیه جنایات ناموسی، مرکز برای تحقیق

سخنرانانی که شرکت شان تایید شده است:

هما ارجمند هماهنگ کننده کمپین علیه دادگاه های شریعه

هوگو استرلا سکولاریست، مسئول بخش اروپائی CFI
سواد بابا ایسا عضو کمیته هماهنگ کننده ابتکار فمینیستی اروپا- فرانسه/الجزایر

ایما باریوسا حزب کمونیست رفرم، ایتالیا
جولی بیندل ژورنالیست و فعال حقوق زن و مبارزه علیه فحشاء- انگلستان

مالینه پوسک فعال سکولاریست و مدافع حقوق زن- دانمارک
سوسن تامپیه ری نویسنده، مدافع حقوق زن، آرژانتین
فرانسس رادای مدیر انجمن برای آزادی علم، مذهب و فرهنگ، استاد
دانشگاه اورشلیم، اسرائیل

سابینه سامون رئیس سازمان همبستگی زنان، فرانسه
پث سیه سیلسکی فعال سکولاریست و مدافع حقوق زن- رومانی
نینا سانکاری معاون سازمان سکولار راسیونالیست، عضو کمیته
هماهنگ کننده ابتکار فمینیستی- لهستان
لیزا سروش فعال حقوق زن، افغانستان
کارولین فورس سازمان اندیشه آزاد، نویسنده و ژورنالیست سکولار،
مدافع حقوق زن- فرانسه

پروین کابلی مسئول سازمان میخک سفید

آذر ماجدی رئیس سازمان آزادی زن

آزا کامل محمد عبدال میکید مصر

کریم نوری شبکه مردان علیه خشونت ناموسی- سوئد

لیا نادارایا رئیس کلوب فمینیست، گرجستان

لیلا نافع همارنه مدیر پروژه در سازمان زنان عرب، اردن

خانم لطیف مدیر مرکز زنان آسودا، سلیمانیه، کردستان عراق

لیلیان هالس-فرنج رئیس ابتکار فمینیستی اروپا- فرانسه

بورینا یوهانسون عضو کمیته هماهنگ کننده ابتکار فمینیستی اروپا

بلغارستان/سوئد

ماریا هاگبری هماهنگ کننده کمپین بین المللی علیه خشونت ناموسی - سوئد

نوال یازجی محقق و فعال حقوق زن، سوریه

مریم کوشا گرداننده و مدراتور- سردبیر نشریه انگلیسی زبان سازمان آزادی زن

بوتینا کاتان خوری فیلم ساز از فلسطین که برای نمایش یکی از فیلم هایش به کنفرانس میاید.

از علاقمندان شرکت در کنفرانس خواهشمندیم که با ما تماس بگیرند.

www.azadizan.net majedi.azar@gmail.com
wmedusahuset@gmail.com

آذر ماجدی +44(0)7886973423
شها نوری +46(0)737262622

زمان: 7 مارس 2009 ساعت 12.30-18.30

نمایش فیلم Maria's Grotto 19.30-20.30

ورودی: همه روز 100 کرون فقط فیلم 50 کرون

محل: Folkets Hus Järntorget

Gothenburg



Brottsofferfonden



نشریه آزادی زن از انتقادات و پیشنهادات شما استقبال می کند.
مطالب، انتقادات و پیشنهادات خود را برای ما ارسال کنید.

رئیس سازمان آزادی زن آذر ماجدی: azarmajedi@yahoo.com

هیئت تحریریه نشریه سازمان آزادی زن: shahla.n@bredbandbolaget.net

آدرس سایت: www.azadizan.net یا www.azadizan.com

www.azadizan.com